# یارانه

وحید یامین پور
Shared publicly - Yesterday 7:46 PM

**چرا از دریافت یارانه انصراف میدهیم؟**
همه دلایل را بالا و پایین کردم تا به منطق زیر رسیدم:
ما از دریافت یارانه انصراف میدهیم تا دولت بعدها به بهانه ی حل مسائل اقتصادی و تامین منابع پرداخت یارانه ها، بخشی از شرف و حقوق مسلم مان را نفروشد. چه بسا برخی دوست داشته باشند فشار اقتصادی به دولت آنقدر زیاد بشود که صحنه برای سازش و تنازل و وطن فروشی فراهم شود ولی ما تقویت دولت را نوعی دفاع از حیثیت انقلاب می دانیم.
مردم انقلابی همیشه سنگ زیرین آسیاب اند. به از خودگذشتگی جماعتی که شام ۲۴ خرداد تا صبح در خیابان ها رقصیدند امیدی نیست. مردم اگر بدانند به خاطر نان ممکن است شرفشان را به قطعنامه های اروپایی بفروشند از جیبشان هم به دولت کمک میکنند.

# پاسپورت

Amirhosein Sabeti
Shared publicly - Apr 10, 2014

حسن روحانی قبل از انتخابات می گفت می خواهم احترام را به پاسپورت ایرانی بازگردانم اما امروز کار به جایی رسیده که حمید ابوطالبی معاون سیاسی دفتر رییس جمهور ایران که تا پیش از این بارها به آمریکا رفته است، توسط سنای این کشور به خاک آمریکا ممنوع الورود شده است.
آنهایی که کدخدا را پذیرفتند و از جهانی شدن و لزوم هضم شدن در دنیا سخن می گویند و عزت و ذلت یک ملت را می خواهند در گرو خوش آمد یا بدآمد آمریکا و اروپا و در یک کلمه «غرب» تعریف کنند، حالا با خودشان کمی خلوت کنند و ببینند که دعوای اصلی نه سر سانتریفیوژهاست، نه روحانی و نه احمدی نژاد و معیار عزت و ذلت هم نه آمریکاست و نه اروپا!

Translate
+303 31

Post comment Cancel

## به بهانه یک تولد

نرجس بهرامیان

۲۹ / ۱ / ۱۳۱۸شمسی
قابله در اتاقی مشغول کارش بود.کودکان به همراه پدر برای سلامتی مادرشان و کودک دعا میکردند.
با خواست خدا کودک و مادر هردو سالم بودن.
علی کوچک با بقیه فرزندان سید جواد اقا فرق داشت.به شدت به درس و یادگیری علوم دینی علاقه داشت.همیشه دلش میخواست روزی برسد که اوهم مانند پدرش عالم دین شود.
پدر هم علی را به شدت دوست میداشت.حتی در زمان بیماری اش گفت:"فقط بگویید علی بیاید."
علی جوان هم که ان روزها به ارزوی دیرینه اش رسیده بود و در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بود مردد بود که نزد پدر بازگردد پیش اهل دلی میرود و با اومشورت میکند وبرایش مسلم میشود که :"خدایی که دنیا و اخرتش را در قم قرار داده میتواند ان را ۹۰۰کیلومتر جا به جا کند!
اخرهای حکومت شاه بود و روزهای پرالتهاب تظاهرات علیه رژیم.
علی جوان هم با دوستان و هم کلاسی هایش در تظاهرات شرکت میکرد.چندباری به زندان ساواک افتاد.بسیار هم شکنجه شد.ولی پا پس نکشید.چون راهش را انتخاب کرده بود.چون مثل سید شهیدان اباعبدلله مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلت میدانست.
بعداز انقلاب هم همینگونه بود.سعی میکرد همیشه و همه جا همراه امام ومقتدایش باشد.برایش پست و مقام دولتی یا سربازبودن در جبهه ها هیچ فرقی نداشت.چون دنیا وزیبایی های دنیا برایش مهم نبودند.همه تلاشش شاد کردن دل امامش بود.
جام زهر امام برای او نیز جام زهر بود
وقتی امام رفت خیلی ها تلاش کردند تا سید علی از اذهان مردم پاک شود.میگفتند:"او جوان است.جوان را با رهبری یک ملت چکار؟"همان حرف هایی که درباره جدش علی (ع) میگفتند. میخواستند سیدعلی هم مثل علی تنها بماند.اما نمیدانستند داستان غریبی علی و درد و دل هایش با چاه دیگر هرگز تکرار نخواهد شد.
نمیدانستند که مردان ایران تا پای جانشان پای سید علی شان ایستاده اند..
رهبرم
سید علی جان
ولادتت مبارک....

## آوینی ، ژاپن و توسعه ایران

گفتاری از دکتر عادل پیغامی از تئوریسین های اقتصاد مقاومتی
شهید آوینی، بدون این‌که رشته اقتصاد خوانده باشد، بدون این‌که ایشان توسعه (به تعبیر آکادمیکش) خوانده باشد، ولی هوشمندی‌های دقیقی را دارد. یک هوشمندی خاص در این بحث توسعه است. ایشان در کتاب فردایی دیگر، در مقاله‌ای که در باب راز سرزمین آفتاب، توسعه ژاپن را تحلیل می‌کند. من یادم می‌آید در سال ۷۴ که شهید آوینی تازه شهید شده بود، ما در کلاس توسعه بودیم و استادی استاد ما بود که چند سال فرصت مطالعاتی گرفته بود و رفته بود ژاپن تا توسعه ژاپن را بررسی کند. وقتی که آمد کتابی در این زمینه نوشت. چاپ شد و آن موقع این کتاب در دانشکده اقتصاد خیلی سر و صدا کرد. ایشان در انتهای کتابش به مطلبی رسیده بود در باب راز توسعه ژاپن که دقیق‌تر و به مراتب کامل‌ترش را در برش‌های تئوریک و برش‌های مفهومی، شهید آوینی در این مقاله ساده زده است. ایشان تازه از ژاپن آمده بود و در حوزه توسعه استاد ما بود. من ارائه‌ای که از بحث توسعه دادم، همین مقاله بود. ایشان تعجب کرد. این مقاله را نخوانده بود. دید که فراتر از کتاب ایشان که محصول فرصت مطالعاتی چند ساله‌اش در خود ژاپن است.من یادم می‌آید، وقتی که من این مباحث را به استاد نشان دادم، چیزی برای گفتن نداشت و یک سکوت معناداری کرد. یعنی چه. مگر ممکن است. چون فکر می‌کرد، آورده او و شناختی که از توسعه ژاپن پیدا کرده، بسیار آورده نوینی در ایران است. آن موقع تقریباً پروفسور بود. برای یک استاد آکادمیک دانشگاه خیلی سخت بود. پذیرش این که از یک ژورنالیست، شهید آوینی از نظر آنها کسی بود که در سوره سرمقاله می‌نوشت. بخواهد این گونه بخورد. حتی یادم می‌آید که ایشان در سال هفتاد و چهار، یک بخش‌هایش را قبول نمی‌کرد. بعداً هم رصد کردم که این استاد در سال هفتاد و چهار چه بخشی از این را قبول نداشت و در سال هشتاد و یک قبول کرد. این هوشمندی بسیار ناب است. من نمی‌توانم نسبت به اندیشه شهید آوینی، ذوق خودم را نشان ندهم. رشته من اقتصاد است ولی این ورود شهید آوینی نسبت به توسعه ژاپن، این ورود شهید آوینی به مباحث فلسفی اقتصاد، این آینده‌شناسی‌های ایشان. ایشان در صفحه نود و پنج کتاب توسعه مبانی تمدن، پیش‌بینی تحریم اقتصادی را می‌کند. می‌گوید ما به جایی خواهیم رسید که غرب برای مقابله با ما هیچ چاره‌ای نخواهد داشت، جز این که ما را تحریم اقتصادی شدید همه جانبه بکند. اینها ذوق‌کردنی است

## پاورقی

ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی در گفتگو با روزنامه آرمان(روزنامه نزدیک به هاشمی): «بقای همه ما در ماندن روحانی است.»

### نهضت آزادی در کلام امام روح ا...

نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به امریکا است، و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت‌های مظلوم بویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال امریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرنها سر بلند نمی‌کرد، و به حسب امور بسیار دیگر نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها، به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروهک‌های دیگر، حتی منافقین (این فرزندان عزیز مهندس بازرگان) بیشتر و بالاتر است....
نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود، و نباید رسمیت داشته باشند.
صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحات ۴۸۱

## دکتر سلام !

**هاشمی رفسنجانی** : دو سه روز آخر یکی از مسئولان امنیتی وارد جلسه شورای نگهبان شد و و گفت که من می خواهم به شما بگویم که ما از همان روزی که آقای هاشمی نامزد شد، هر صبح و شب دائماً داریم افکار سنجی می کنیم .رای ایشان به سرعت بالا می رود و تا دیشب به ۷۰ درصد رسیده و اگر دو روز دیگر را هم صبر کنید؛ به ۹۰ درصد می رسد.
**خل آقا :**خب حاج آقا شما که ۹۰ درصد رای داشتید.طبعا جناب حسن خان روحانی و عارف هم که گفته میشه در اون برهه رای قابل توجهی داشتن.بعد شما که از شیخ حسن خان روحانی حمایت نمودین و قاعدتا ۹۰ درصد رای مذکور به سبد حاج حسن ریخته شد.عارف واصل ببخشید ناکام هم که به با تشر جناب خاتمی به نفع حسن روحانی کنار رفت.میشه به بنده ناقص العقل خل بفرمایید که پس چرا سبدی که بیش از۱۰۰٪ آرا رو داشت فقط با اختلاف ۰/۷ آرا پیروز انتخابات شد؟ اون ۴۹/۳ چیه این وسط؟!!
یادم میاد اون موقع که لاف ائتلاف ۱+۲ این بود که ۶۰ درصد رای داریم ی طنزی نوشته شده بود با این تیتر که ٪۶۰ =۱+۲ !
**اکبر ترکان** ابوالمشاغل دولت: بابک زنجانی محصول کار دولتمردان گذشته بود.
**خل آقا :** چند سوال: اولا مشخص بفرمایید که جناب هاشمی وقتی رفتن پادگان بابک اینا و این بشر رو بردن و شد راننده رییس بانک مرکزی و بعدش با اعتمادی که جلب کرده بود شد یکی از کسایی که واسه تنظیم بازار ارز، حجم قابل توجهی از دلار رو هر روز در بازار آب می‌کرد و بعد از همین نردبان ترقی! به جاهای از ما بهترون رسید؛محصول دولت هاشمی حساب میشه یا محصول دولت قبل؟
حالا این سوال هیچ... میگم شهرام جزایری هم محصول دولت قبل بود آیا؟!
**مناظره هفته بین علی مطهری و مولوی عبدالحمید :**
علی مطهری در نطق پیش از دستور در مجلس شورای اسلامی : آقای مولوی عبدالحمید هیاتی را برای مذاکره با گروگانگیرها ارسال می‌کند که در این هیات داماد خودش هم حضور داشته.این هیات در راه بازگشت تصادف می‌کند و داماد مولوی عبدالحمید از دنیا میرود.
**مولوی عبدالحمید** در گفتگو با خبرگزاری ایسنا در واکنش به نطق حمایتی علی مطهری از وی مبنی بر اینکه داماد امام جمعه زاهدان در جریان موضوع آزادی سربازان فوت کرده است، اظهار می دارد: ایشان جزء مذاکره‌کنندگان نبودند و پیش از این به دلیل حادثه طبیعی وفات کرده‌اند.
**نطق شاهکار وزیر مسکن در دفاع از منویات امام و رهبری:**
**عباس آخوندی** وزیر مسکن دولت یازدهم: مسکن مهر برخلاف تمام سیاستهای ابلاغی حضرت امام و مقام معظم رهبری است.
**پ ن :** نظام اسلام چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد؛ و این از حداقل [حقوق] هر فرد است که باید مسکن داشته باشد. مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند.
همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیندیشد، و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند.
در هر محل از بین افراد صالح و مورد اعتماد، گروهی حداقل مرکب از سه نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت انتخاب شوند تا با صرفه جویی و دقت کامل خانه‌های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار بدهند، و در این طرح به هیچ وجه پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود.
**صحیفه نور جلد ۶ - صفحه۵۲۰**
همین مسئله‌ی مسکن مهر که صحبت شد، ...این کاری که در دولت دارند میکنند - که کار خوبی هم هست و لازم هم هست.
**بیانات حضرت آقا ۱۳۹۱/۰۶/۰۲**



## روزی ، روزگاری آمریکا

### تاریخ ناگفته و پنهان ایالات متحده

سید جواد موسوی

همه ی ما از کودکی داستان کریستف کلمب و چگونگی کشف قاره ی آمریکا را شنیده ایم و کم و بیش از سرگذشت آن باخبریم. از کودکی یادمان دادند که دریانوردی بود ماجراجو. دریانوردی کرد و قاره ی آمریکا را کشف کرد. اما شاید اقتضای سنمان بود که از خود نپرسیدیم کلمب به کجا می رفت؟ آیا به راستی از پیش میدانست که قاره ای کشف خواهد کرد یا صرفا برای چند هفته ای گشت و گذار در اقیانوس ها کشتی خود را پر از آذوقه کرد و به اتفاق دوستان و اطرافیان راهی ناکجاآباد شد؟ براستی کلمب چه کسی بود؟ از کجا آمده بود؟
به این جملات خوب دقت کنید: "در گوشه ی سمت چپ بالای کلیه ی نامه هایی که کلمب برای خانواده ی خود ارسال می کرد، مونوگرامی به چشم می خورد که مفهوم آن پنجاه سال قبل توسط موریس دیوید کشف شد. این مونوگرام از دو حرف تشکیل شده است که هر یهودی ای آن را در بالای تمامی نوشته های خود می نوشت. این دو حرف عبارت بودند از دو کلمه Beth و ha: که امروزه معلوم شده که بر عبارت ezart ha cham be و یا baruch chem (یعنی مقدس است خداوند یهود) دلالت دارد. نکته ی دیگر که ثابت می کند او یک یهودی پنهان کار بوده نحوه ی نگهداشتن دست چپ خود (به صورت پنجه باز بر روی قفسه سینه سمت راست) در تصاویر و تابلوهای اوست. این عمل، اقدام رمزآلودی بوده که مارانو ها جهت شناسایی یکدیگر به کار می بردند." این جملات از مقاله ای تحت عنوان "آیا کرستف کلمب حقیقتا یک یهودی بود؟" به قلم دالیا سایاه، در روزنامه ی شالوم ارگان یهودیان ترکیه انتخاب شده اند. کنسولورارلا، کلمب شناس مشهور اسپانیایی همچنین می نویسد: "کلمب عهد عتیق را از حفظ بوده و چنین چیزی برای یک فرد منسوب به جامعه ی کاتولیک نمی تواند موضوعیت داشته باشد."
اما شاید از خود بپرسید خب که چه؟ به فرض که کریستف کلمب و همسرش بیتریک انریکوور هر دو یهودی و به شدت مذهبی بوده اند. این مسئله چه چیزی را اثبات می کند؟ در متنی که از روزنامه ی شالوم آوردیم گفته شد وی یک یهودی "پنهان کار" بود. چرا پنهان کار؟ براستی کلمب به دنبال چه هدفی بود؟ ما به این پرسش ها در قسمت بعدی سلسله مقالات روزی روزگاری، آمریکا پاسخ خواهیم داد.

## هک وضد هک ۱

### حفاظت رمز

محمد مرتجی

از این نشریه به بعد در رابطه با موضوع حفاظت رمزهای شما در شبکه جهانی وب با ما همراه باشید.
-۱ اولین نکته این است که هیچ وقت رمز ورود به حساب کاربریتان را ذخیره نکنید , مخصوصا درون رایانه های عمومی(حتی رایانه های شخصی که بغیر خودتان کسان دیگر نیز استفاده می کنند) چرا؟ خب به دلایل زیر:
۱.۱ زمانیکه شخص دیگری بخواهد از آن رایانه استفاده کند براحتی می تواند وارد حساب کاربریتان شود(که مطمئن هستم که این مورد برایتان مثل روز روشن بوده است)
۱.۲ فقط کافیست که با کمتر از ده کلیک رمز ذخیره شده شما را که بشکل ستاره نشان داده می شود بشکل واقعی آن به نمایش بگذارد(بدین منظور که به همین سادگی رمزتان را در اختیار دیگران قرار داده اید)
۱.۳ و درنهایت هم که اگر از رایانه های دیگری بخواهید به حساب کاربریتان وارد شوید ممکن است نتوانید چرا؟خب به این دلیل که ممکن است رمز ورود را فراموش کرده باشید.
راه حل
برای حل مشکلات - ۱.۱ - ۱.۲ - راه حل هایی از قبیل نصب نرم افزارهای مدیریت رمزها و یا استفاده از تنظیمات خود مرورگرها و یا... وجود دارد. برای حل مشکل سوم هم که شاید بهترین و بدترین کار این باشد که رمزهای خودتان را در جایی یادداشت کرده و با خود داشته باشید.
اما راه حل نهایی و ایمن این است که هیچ زمانی رمز ورود خودتان را در هیچ رایانه ای ذخیره نکنید تا هیچ زمانی دچار سه مشکل بالا نشوید.
ادامه دارد.....

## ای زن انسان بمان

سیده فاطمه تقی زاده

ای مردها بروید در خانه،زن ها کار می کنند!این محصول اعلامیه ی حقوق بشر بود.زنهایی را که تا دیروز انسان نبودند،با مردها برابر دانست و به میدان کار کشاند.
زن غربی در ابتدا شبه انسان بود و همچون بردگان از حقوقی بهره مند نبود.همین که آبی و غذایی برای خوردن داشت،بالاترین امتیاز بود.اما سرمایه داری وقتی دید برای به دست آوردن سرمایه،استخدام مردها هزینه بردار است،با علم کردن حقوق مساوی مرد و زن و اعلام استقلال مالی زن"یعنی هر چه به دست می آورد برای خودش است نه مثل گذشته برای شوهرش"او را از چاله به چاه انداخت.او را از زیر سلطه ی مردها رهانید و در عوض به بندگی کارخانه ها گرفت.زن دیگر انسان بود.حق و حقوق داشت.چون با مرد مساوی بود.پس...باید کار می کرد.زن ها برده های ارزانی برای غول سرمایه داری بودند.پس اینگونه شد که مردها بیکار و زن ها مستقل شدند.سرمایه داری بزرگ می گفت ای زن بیا در تاریک خانه ی کارخانه ی من کار کن و در عوض هرچه درمی آوری برای خودت.هرچند که من به اندازه ی مردها به تو دستمزد نمی دهم. پس چشم های فریب خورده به دست سرمایه داران خیره شد تا آزادیشان را از آنان دریافت کنند.نفهمیدند که غل و زنجیرهای آنان تمام وجودشان را اسیر خواهد کرد.

وقتی متوجه اشتباه خود شدند که غول ثروت در شکل دیگری ظاهر شده بود.به زن فهماند که تا چه حد آزاد است و باید از جذابیت های وجودیش استفاده کند.دیگر نیاز نیست در فضای تاریک کارخانه ها سخت جان بکنیوکافیست از ظاهر زیبایت مایه بگذاریولباس هایی را که من به تو می دهم،بپوش.آنگونه باش که من می خواهم.آنوقت همه از تو خوششان می آید و فروش من هم زیادتر می شود.در نهایت این دستمزد توست که بیشتر می شود و بعلاوه علاقه مندانت!حالا چرا این زیبایی ات را بگذاری در اختیار مردی که تو را برای زندگی اش استثمار کند؟بگذار تا جوانی و زیبا،از تو استفاده کنم تا وقتی به دردم نخوردی، ازدواج کنی و تا آخر عمرت با پول هایی که در ازای خود فروشیت به تو داده ام زندگی کنی.تو بیا ویترین کالاهای من شود "ویترینی ارزان"تا هزاران هرزه برای شهوتشان خریداری ات کنند.تو آزادی و این من هستم که تو را آزاد کرده ام تا به تو بگویند "انسان".بیا در اختیار من تا به تو استقلال دهم و از بندگی شوهر برهانم و در ازایش شخصیتت را زنده به گور کنم.حقوق بشر و تساوی حقوق زن و مرد یعنی این!
بردگی از بین نرفته.تنها تغییر شکل داده است.تنها برای زن پسوند انسان قرار داده است و در پوشش آن استثمارش می کند. غرب خودش هم در کار خودش مانده ام این را برای من و تو نیز صادر می کند.غرب دارد به کجا می رود؟ما به کجا؟

## انیشتین و اثبات معاد جسمانی

فاطمه شربتی

پروفسور حسابی از جمله ی پای منبری ها و علاقمندان آیت الله بروجردی بود و علاوه بر ایشان، با اینشتین هم ارتباط قوی و خوبی داشت. بعد از مطرح شدن "نظریه ی نسبیت" اینشتین در محافل علمی، یک روز آیت الله در این مورد از پروفسور پرسوجوکرد و مدتی باهم در این مورد بحث کردند و در آخر بحث، آیت الله به پروفسور گفتند که سلام مرا به آقای اینشتین برسان و بگو شما موفق شدید از فیزیک روزنه ای به متافیزیک باز کنید.
شاید نقطه آغاز مکاتبات دامنه دار آیت الله و اینشتین از همین جا بود که واسطه ی بین آنها هم پروفسور حسابی بودند.
اینیشتین علاوه بر فیزیک، در زمینه فلسفه و کلام اسلامی هم مطالعاتی داشت و شاید بتوان گفت که همزمان با مکاتباتی که با آیت الله داشت به بررسی "قرآن" و "نهج البلاغه" و "بحارالانوار" پرداخت و "نظریه نسبیت" اش را با آیات و روایات تطبیق داد و گفت که در هیچ جا، در هیچ مذهبی چنین احادیث پرمغزی یافت نمی‌شود وتنها این "مذهب شیعه" است که احادیث پیشوایان آن نظریه ی پیچیده "نسبیت" را ارائه داده ولی اکثر دانشمندان آن را نفهمیده‌اند.
زمانیکه اینشتین حدیث علامه مجلسی، راجع به معراج پیامبر(صلی الله علیه) و اینکه دامن یا پای مبارک ایشان هنگام عروج به کاسه آبی که در کنارشان بود برخورد کرد، و کاسه واژگون شد، اما زمانیکه ایشان بعد از مدتی طولانی بازگشتند، آب کاسه هنوز در حال ریختن بود را مطالعه کرد، این حدیث را از گرانبهاترین بیانات علمی پیشوایان شیعه در زمینه "نسبیت زمان" دانسته و شرح فیزیکی مفصلی بر آن می‌نویسد. اینشتین همچنین در این رساله "معاد جسمانی" ( به این معنا که پس از مرگ، "جسم" انسان محشور می شود) را از راه فیزیکی اثبات می‌کند. او فرمول ریاضی معاد جسمانی را عکس فرمول معروف "نسبیت ماده و انرژی" می‌داند. یعنی اگر حتی بدن ما تبدیل به انرژی شده باشد دوباره می‌تواند عینا" تبدیل به ماده و زنده شود.

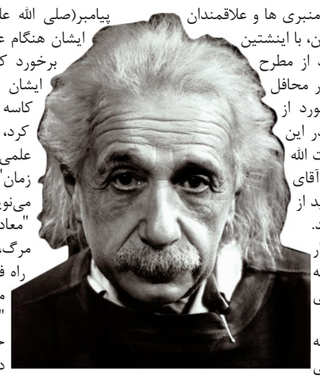

و بالاخره، اینشتین، بعد از برقراری ۴۰ مکاتبه با آیت الله، اعلام کرد که "اسلام و آئین تشیع ۱۲ امامی" را بدون ذره ای تردید پذیرفته است.
با این وجود فکر میکنم بتوان به جواب این سوال رسید که:
چرا "قرآن حکیم"، آیاتش را برای اهل تعقل، تفکر، تعمل و خردمندان، به تفصیل بیان می کند؟

## پیشنهاد سوزنبان

پیشنهاد سوزنبان: کتاب ترجمه دعای کمیل به قلم شهید دکتر مصطفی چمران
نیایش ، لطیف ترین و عمیق ترین نیاز فطری قلب است،هنگام نیایش پرده های ضخیم عالم محسوسات از روی قلب به کناری می رود و مشعل فروزان روح آدمی نورافشانی می کند.در میان نیایش ها.نیایش عشاق ، شوری دیگر دارد.در میان عشاق عالم نیز ، علی ، جایگاه خاصی دارد .....و دعای کمیل شراره های آتشی است که از قلب و .... روح علی برخاسته

مقدمه ترجمه دعای کمیل
فراز پایانی دعای کمیل به ترجمه زیبای شهید :چمران
ای آنکه زودتر از هر کس خشنودی تو را می توان جلب تمود ، بر این بنده که چیزی جز دعا در اختیار ندارد ببخشای ! ببخشای که تو بر انجام هر کاری قادر و فعال مایشائی. ای که نامت دارو ، یادت شفا ، و طاعتت بی نیازی است بر این بنده که گل سرسبدش امیدِ به تو و حربه اش گریه می باشد .رحمت آور